





دانشگاه پیام نور واحد تهران - جنوب

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

موضوع:

تدلیس تجاری ، تبلیغات بازرگانی دروغین و کذب

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علیرضا میلانی

نام دانشجو:

عباس رهنما

سال تحصیلی ۹۲-۹۱

تقدیم به:

پیشگاه مطهر چهارده معصوم (علیهم السلام)، بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی «ره»، شهیدان پاک انقلاب اسلامی، یگانه پیشوای جهان تشیع رهبر عزیزم حضرت آیت الله العظمی خامنه ای «حفظه الله» و پدر و مادر عزیزم.

تشکر و قدردانی:

با سپاس فراوان از زحمات و راهنمایی های بی شائبه ی کسانی که در کتابت این پایان نامه مرا یاری نموده اند به ویژه اساتید گران قدرم جناب آقایان دکتر علیرضا میلانی و دکتر ناصر قاسمی.

چکیده در حقوق ایران تدلیس را به «فریب دادن طرف قرارداد در انگیزه ی اصلی یا یکی از جهات تراضی» تعریف می کنند. در قانون مدنی تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. در فقه امامیه، مشتبه ساختن حقیقت امر بر طرف مقابل تدلیس محسوب می شود و با توجه به ضمانت اجرایی که برای تدلیس در نظر گرفته اند (خیار فسخ)، تدلیس عیب رضا تلقی نشده و ایراد عقد مبتنی بر قواعد فقهی مثل «قاعده ی لاضرر» یا «قاعده ی غرور» است. اغراق در تبلیغ اوصاف کالایکی از شایع ترین مسائلی است که در حیطه ی تبلیغات بازرگانی وجود دارد. دامن زدن به مصرف گرایی و گرایش به تجمل در بین مخاطب و مغایرت ماهوی برخی از ابعاد تبلیغات بازرگانی با ارزش های اخلاقی و فقهی اسلام از جمله ی آسیب هایی است که در رهگذر تدلیس تجاری، تبلیغات بازرگانی دروغین و کذب بر شخصیت اجتماعی و اخلاقی مخاطب وارد می شود. در فقه اسلامی مواردی هست که نشان می دهد عملی مثبت سبب تدلیس تجاری می شود؛ یکی از این موارد تصریح است. تدلیس تجاری اگر چه شباهت هایی از نظر ارکان سازنده با تدلیس های حقوقی و جزایی داشته ، اما متفاوت از آن ها است. این عمل با بعضی جرائم ارتباط نزدیکی دارد از قبیل: گران فروشی، احتکار و... که در قوانین متفرقه کم و بیش مورد اشاره قرار گرفته است . «گران فروشی عبارت است از عرضه ی کالا یا خدمات به بیش از نرخ های تعیین شده توسط مراجع رسمی به طور علی الحساب یا قطعی و اجرا نکردن مقررات و ضوابط قیمت گذاری و انجام هر نوع اقدامی که به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار منجر شود». «احتکار عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمده و امتناع از عرضه ی آن به قصد گران فروشی یا وارد کردن ضرر به جامعه بعد از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت (وزارت بازرگانی یا دیگر مراجع قانونی ذی ربط)».

واژگان کلیدی: تدلیس تجاری ، تدلیس حقوقی ، تدلیس جزایی ، پلیس ، جرایم علیه امنیت

و آسایش عمومی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
۱	مقدمه.....
۲	الف-سؤال های تحقیق.....
۲	ب-فرضیه های تحقیق.....
۲	پ-اهداف تحقیق.....
۳	ت-ضرورت تحقیق.....
۳	ث - سابقه ی تحقیق.....
۳	ج - روش تحقیق.....
۴	ح - کاربردهای تحقیق.....
۴	خ - ساختار تحقیق.....
	فصل اول: تعریف تدلیس تجاری، بررسی ابعادی از آن در فقه امامیه و تاریخچه ی تبلیغات بازرگانی در نظام حقوقی ایران
۶	۱-۱-تعریف تدلیس تجاری.....
۶	۱-۱-۱-تعریف لغوی.....
۹	۱-۱-۲-تعریف اصطلاحی.....
۱۳	۱-۱-۳-تفاوت تدلیس با مفهوم عیب.....
۱۳	۲-۱-بررسی ابعادی از تدلیس تجاری در فقه امامیه.....
۱۳	۲-۱-۱-تدلیس تجاری در معامله.....
۱۵	۲-۲-۱-تدلیس تجاری واغراق در تبلیغ اوصاف کالا.....
۱۶	۲-۲-۳-تدلیس تجاری وتجمل ومدگرایی.....
۱۷	۲-۲-۴-تدلیس تجاری و توضیح توامان محاسن ومعايب کالا.....
۱۸	۲-۲-۵-تدلیس تجاری وتصریه وغش ونجش.....
۲۱	۳-۱-تاریخچه ی تبلیغات بازرگانی در نظام حقوقی ایران.....
۲۱	۳-۱-۱-پیش از انقلاب.....
۲۲	۳-۱-۱-۱-قانون اساسی مشروطه.....
۲۳	۳-۱-۱-۲-قانون مطبوعات.....
۲۳	۳-۱-۱-۳-آیین نامه ی تنظیم اموراعلانات.....

- ۴-۱-۳-۱ آیین نامه ی امور تبلیغاتی و کانون های آگهی..... ۲۴
- ۲-۳-۱ پس از انقلاب..... ۲۴
- ۲-۳-۱ قوانین عادی و آیین نامه ها..... ۲۵

فصل دوّم: بررسی برخی جرائم مرتبط با تدلیس تجاری، تبلیغات بازرگانی دروغین

درفقه امامیه و سیستم حقوقی ایران و ضمانت اجراهای آن ها

- ۱-۲-۱ گران فروشی..... ۲۹
- ۱-۱-۲ درفقه امامیه..... ۲۹
- ۱-۱-۱-۱ احکام و آثار گران فروشی..... ۲۹
- ۱-۱-۲-۱ تبانی بر گران فروشی..... ۳۰
- ۱-۲-۲ در حقوق ایران..... ۳۱
- ۱-۲-۱-۲ ماهیت حقوقی گران فروشی..... ۳۱
- ۱-۲-۲-۲ تعریف گران فروشی (عنصر قانونی)..... ۳۱
- ۱-۲-۳-۲ مجازات گران فروشی..... ۳۲
- ۲-۲-۲ کم فروشی..... ۳۲
- ۲-۲-۱-۲ درفقه امامیه..... ۳۲
- ۲-۲-۱-۱ معنای تطفیف و بخش..... ۳۲
- ۲-۲-۱-۲ موارد تحقق تطفیف و بخش..... ۳۴
- ۲-۲-۱-۳ حرمت تطفیف و بخش..... ۳۴
- ۲-۲-۱-۴ روایات حرمت تطفیف و بخش..... ۳۴
- ۲-۲-۱-۵ کم فروشی و عواقب آن در جامعه از نظر قرآن و روایات..... ۳۷
- ۲-۲-۱-۶ کم فروشی، مخالفت با سنت الهی..... ۴۲
- ۲-۲-۱-۷ موانع کم فروشی..... ۴۵
- ۲-۲-۱-۸ مذمت کم فروشی..... ۴۶
- ۲-۲-۱-۹ کم فروشی در خدمات و امتیازات..... ۴۷
- ۲-۲-۱-۱۰ کم فروشی، از عوامل فساد در زمین..... ۴۷
- ۲-۲-۱-۱۱ کم فروشی، به عنوان یکی از مفاسد اقتصادی..... ۴۹
- ۲-۲-۱-۱۲ نتیجه ی کم فروشی..... ۵۲
- ۲-۲-۲ در حقوق ایران..... ۵۸
- ۲-۲-۱-۲ ماهیت حقوقی کم فروشی..... ۵۸
- ۲-۲-۲-۲ تعریف کم فروشی (عنصر قانونی)..... ۵۸
- ۲-۲-۲-۳ مجازات کم فروشی..... ۵۹

۵۹۱۲-۳ احتکار
۵۹۱-۳-۲ در فقه امامیه
۵۹۱-۳-۱-۲ پرهیز از احتکار، یکی از آداب تجارت
۶۱۲-۳-۱-۲ شرایط احتکار و حکم تکلیفی آن
۶۵۳-۳-۱-۳ احتکار در قرآن
۶۸۴-۳-۱-۳ احتکار در کلام معصومین (ع)
۷۳۵-۳-۱-۲ نتایج جلوگیری از احتکار
۷۵۲-۳-۲ در حقوق ایران
۷۵۱-۳-۲-۱ ارکان جرم (ماهیت حقوقی) احتکار
۷۶۱-۳-۲-۱-۱ عنصر قانونی (تعریف احتکار)
۷۷۲-۳-۲-۱-۲ عنصر مادی
۷۸۳-۳-۲-۱-۳ عنصر معنوی
۷۹۲-۳-۲-۲ مجازات احتکار
۷۹۳-۳-۲-۳ اموال موضوع احتکار
۸۰۴-۲-۲ شرکت های هرمی
۸۰۱-۴-۲ در فقه امامیه
۸۰۱-۴-۱-۱ وضعیت فقهی شرکت های هرمی
۸۴۲-۴-۱-۲ موافقان و مخالفان شرکت های هرمی
۸۶۲-۴-۲ در حقوق ایران
۸۶۱-۴-۲-۱ ماهیت حقوقی شرکت های هرمی
۹۳۲-۴-۲-۲ تعریف شرکت های هرمی (عنصر قانونی)
۹۳۳-۴-۲-۲ مجازات شرکت های هرمی
۹۴نتیجه گیری
۹۹پیشنهادها
۱۰۱منابع
۱۰۵چکیده انگلیسی

مقدمه در تحقیق حاضر به مطالبی پیرامون تدلیس تجاری، تبلیغات بازرگانی دروغین و کذب مانند: مفهوم لغوی و اصطلاحی، عوامل، ریشه ها و آثار و پیامدهای زیان بار و راه هایی که برای ریشه کن کردن این جرم وجود دارد و نیز بعضی مصادیق آن مثل: گران فروشی، کم فروشی، احتکار و... پرداخته شده و پیشینه، بایسته های قانون گذاری و جایگاه آن را در سیستم فقهی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران تبیین خواهیم کرد.

تبلیغات بازرگانی یکی از پدیده های رایج در زمان ماست. این پدیده به دلیل تاثیر عمیق و البته تدریجی ای که بر جوانب مختلف زندگی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی می گذارد، بسیار مورد توجه بوده و تلاش شده تا باتدوین قوانین به روز و کاربردی مدیریت شود؛ با این حال متأسفانه کشور ما در این زمینه از خلاء قانونی رنج می برد. هدف از تبلیغات بازرگانی انتظام بخشی به رفتار عموم در حیطه ی خرید و مصرف است و یاباه تعبیری آگاهی بخشی به عموم مردم در تصمیم گیری صحیح در حیطه ی خرید و مصرف و یا معرفی درست کالا به مصرف کننده در جهت انتخاب بهینه ی کالا توسط مصرف کننده است. تبلیغات بازرگانی گونه ای از تبلیغات است که دارای پشتوانه های عمیق تاریخی است؛ این نوع از تبلیغات به موازات اختراع چاپ و انتشار نشریات و سپس پدید آمدن رسانه های الکترونیک مانند رادیو، سینما، تلویزیون و اینترنت گسترش فوق العاده ای یافت، به طوری که تاثیرات شگرف این نوع تبلیغ در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه بسیاری از صاحب نظران را بر آن داشته تا نسبت به تبعات مثبت و منفی این پدیده ی مدرن بیندیشند و ادبیات گسترده ای از خود بر جای گذارند. ۱

در ایران پس از انقلاب اسلامی حجم ناگهانی تبلیغات بازرگانی پس از جنگ تحمیلی و تاثیرات گاه نابهنجار و منفی فرهنگی و اخلاقی آن موقعیتی را فراهم آورده که برخی از صاحب نظران به آن نظر کنند؛ مطالعه ی حاضر حرکتی در امتداد این جریان است.

۱. فورس ویل: ۱۳۸۷، صدر محمدی ۱۳۸۷

الف - سؤال های تحقیق

۱. تدلیس تجاری چه تفاوتی با تدلیس حقوقی دارد؟

۲. آیا واکنش های کیفری در مورد تدلیس تجاری در نظام کیفری ایران متصور است؟

۳. ارکان تدلیس تجاری چه می باشد؟

ب - فرضیه های تحقیق

۱. به نظرمی رسد تدلیس تجاری از جنبه های متعددی با تدلیس حقوقی تفاوت های اساسی داشته باشد.

۲. تدلیس تجاری جنبه ی کیفری داشته و واکنش جزایی دارد.

۳. به نظرمی رسد تدلیس تجاری در نظام حقوقی مجرم انگاری شده و در سه رکن قانونی، مادی و معنوی قابل بررسی می باشد.

پ- اهداف تحقیق

اهداف متعددی از قبل این تحقیق متصور است از جمله: ۱- نشان دادن نقاط ضعف و قوت دولت و نظام قانونی ایران. ۲- وضع قوانین مناسب تربری برای جلوگیری از رشد و توسعه ی روزافزون این جرائم و رفع نواقص در این حوزه. ۳- تنزیل و کاهش دادن میزان آمار جرائم مربوط به تدلیس تجاری در عرصه ی داخلی و بین المللی با همکاری دولت ها و ملت ها. ۴- پیش بینی ضمانت اجراهای موجود و ارزیابی آن ها.

ت- ضرورت تحقیق

در حقوق تجارت بین الملل امروزی بررسی چنین موضوعاتی از ضروریات می باشد ؛ چون روابط داخلی و بین المللی کشورها از محاسن و مضرات شاخص های اقتصادی تاثیر می پذیرند . بنابراین آگاهی بخشی مردم در این میان بسیار مهم و حیاتی است؛ بویژه این که تدلیس تجاری از مهم ترین معضلات تجاری محسوب می شود.

ث - سابقه ی تحقیق

تحقیقات و پژوهش های متعددی درباره این موضوع از سالیان پیش تهیه شده و نیز در قوانین پیش و پس از انقلاب این مسئله مدّ نظر بوده است.

ج - روش تحقیق

روش انجام تحقیق در این پروژه ،گردآوری کتاب خانه ای وبامحوریت قانون وفقه امامیه است ؛چرا که در این شیوه جامعه ی آماری ونمونه برداری وجود ندارد.

ح - کاربردهای تحقیق

هم در عرصه ی داخلی وهم بین المللی پیش بینی راه کارهایی مناسب می تواند به برون رفت از مشکلات ایجاد شده از عمل تدلیس وبالا رفتن سطح رفاه وآسایش زندگی مردم و ایجاد ثبات وعدالت اقتصادی کمک شایانی نماید؛ضمن آن که از تاثیر این موضوع در معاملات حقوق تجارت بین الملل و رویه ی قضایی نباید غافل بود.

خ - ساختار تحقیق

در تحقیق حاضر- که از دو فصل وبامحوریت قانون وفقه امامیه تشکیل شده است - به مطالبی پیرامون تدلیس تجاری، تبلیغات بازرگانی دروغین و کذب مانند: مفهوم لغوی واصطلاحی، جایگاه تدلیس تجاری، تبلیغات بازرگانی دروغین و کذب در فقه امامیه ونظام حقوقی ایران ونیز بعضی مصادیق آن مثل: گران فروشی، کم فروشی، احتکار و... پرداخته شده است.

فصل اوّل: تعریف تدلیس تجاری، بررسی ابعادی از آن در فقه امامیه و تاریخچه تبلیغات بازرگانی در نظام حقوقی ایران

۱-۱-۱ تعریف تدلیس تجاری

۱-۱-۱-۱ تعریف لغوی

واژه ی تدلیس در لغت به معنی فریب دادن، پنهان کردن، تاریک ساختن و مبهم کردن است. ۱ و ۲ علاوه بر این تدلیس در لغت از ریشه ی دلس که مانند دلسه به معنای تاریکی است یادلس که به معنای فریب و نیرنگ است می آید و در حقوق اسلامی معمولاً پوشاندن و پنهان ساختن عیب را می رساند. تدلیس در زبان یونانی *dolos* خوانده می شود و از این رو برخی عقیده دارند که کلمه ی تدلیس با توجه به اشتراک سه حرف بی صدادر هر دو زبان (د-ل-س / d-l-s) از یونانی به عربی راه یافته است. ۳ «پروفسور ساخت می نویسد: فعل عربی دلس از کلمه لاتین *dolus* آمده است. این کلمه گرچه در دوران اسلام از طریق مراودات تجاری وارد زبان عربی شد ولی در مراحل اولیه حقوق اسلام به عنوان اصطلاح حقوقی به کار نمی رفت. تدلیس در حقوق فرانسه *ledol* خوانده می شود که ماخوذ از ریشه ی لاتین است و در حقوق انگلیس گفته می شود که در عین حال معنایی وسیع تر از تدلیس در حیطه قرارداد دارد. در حقوق فرانسه هم این واژه به کار برده می شود، اما به معنای تدلیسی است که پس از انعقاد عقد صورت بندد. جنبه ی جزایی تدلیس در حقوق فرانسه تحت مفهوم *escrimerie* در می آید که به اصطلاح جزایی حقوق ایران، کلاهبرداری معنی می دهد». ۴

در فقه اسلامی اصطلاحات خدعه و خدیعه به کار می رود که گاه به مفهوم تدلیس نزدیک می شود. تدلیس، لغتی است که از فقه و زبان عرب وارد زبان حقوقی ما شده است و در کتابهای لغت عربی به معنای پوشاندن و پنهان ساختن عیوب می باشد. ۵

۱. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، ص ۳۲۵.

۲. شهید ثانی، شرح لمعه (دو جلدی)، ج ۱، ص ۳۸۱.

3. n. j. coulson. (1964). A history of islamic law. p: 28.

4. shakht. (1964). an introduction to islamic law. p: 9.

۵. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ه. ق، ص ۸۶.

ریشه ی این لغت کلمه «دلسه» به معنای تاریکی و ظلمت است؛^۱ زیرا تدلیس کننده حقیقت امر را پوشانده و امر غیر واقعی را در نظر طرف مقابل واقعیت جلوه می‌دهد.^۲ تدلیس در بیع و سایر معاملات به کتمان و پوشاندن عیب کالا از مشتری معنا شده است.^۳

در زبان انگلیسی کلمات چندی است که می‌تواند معادل تدلیس در زبان عربی قلمداد شود و در حقوق نیز کاربرد داشته باشد مانند:

۱- **Fraud** به معنای فریب، تقلب، حيله‌گری، گول زدن، مغبون ساختن و در معنای حقوقی اغفال عمدی شخص بدین منظور که وی حق قانونی خود را نسبت به ملک یا دارایی‌اش از دست بدهد^۴ و در فرهنگ اصطلاحات حقوقی به تقلب، کلاهبرداری، غبن و تدلیس ترجمه شده است.^۵

۲- **(Deceive/Deception)** به معنای فریفتن، گول زدن، نیرنگ به کار بردن، وادار ساختن شخص به باور چیزی که حقیقت ندارد؛^۶ در اصطلاح حقوقی نیز این کلمه به تقلب کردن، فریب دادن، اغفال کردن و تدلیس ترجمه شده است.^۷

۳- **Mislead** به معنای اشتباه افکندن شخص می‌باشد؛ هر چند لازم نیست که همواره با فریب عمدی همراه باشد مثل موردی که شخص به سبب علامت راهنمای نادرست اشتباها به راه دیگری منحرف شود.^۸

۱. الدلسه (بالضم): الظلمه. همان، ص ۸۶.

۲. (كان المدلس يظلم الامر ويبهمه حتى يوهم غير الواقع). سيد محمد جواد حسینی عاملی، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلماء، ج ۴، مؤسسه آل البيت، بی تا، ص ۶۴۴.

۳. (دلس فی البیع وفي كل شیء اذا لم یبین عیبه وهومن الظلمه والتدلیس فی البیع: کتمان عیب السلعه عن مشتری). ابن منظور، منبع پیشین، ص ۸۶.

4. [webster.thirdnewinternationaldictionaryusaencyclopediaibritannicainc.1993](http://www.webster.thirdnewinternationaldictionaryusaencyclopediaibritannicainc.1993)

۵. فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی به فارسی، بخش ترجمه دیوان داوری دعاوی ایران = لاهه، تهران، نشر یلدا، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۲، ص ۳۱.

۶. منوچهر آریان پور کاشانی، فرهنگ پیشرو آریان پور (انگلیسی = فارسی)، جهان چاپ اول، ۱۳۷۷، ج ۲، صص ۱۳۱۵-۱۳۱۶.

۷. پیشین، ص ۲۰.

8. [opcit.volume2.p1444](http://www.opcit.volume2.p1444).

۴- Misrepresent به معنای بد نمایش دادن، غلط جلوه دادن و بد انجام وظیفه کردن (به عنوان نماینده) می‌باشد و در فرهنگ اصطلاحات حقوقی به معنای تدلیس، قلب واقعیت و القای شبهه آمده است. ۲.

واژه ی بازرگانی یا تجارت در لغت به معنای به کارگیری سرمایه برای دستیابی به سود می باشد. هم چنین تجارت یا مصدر میمی است به معنی کسب کردن و بازرگانی کردن، یا اسم مکان است برای محلّ تجارت، و مراد از محلّ تجارت، بیع ها و کالاهایی است که با آن ها تجارت می شود. ۳.

همین طور معاملات به قصد انتفاع به طوری که در تفاهم عرف بر آن صدق تجارت نماید را، بازرگانی گفتند. ۴. تبلیغ واژه ای عربی به معنای «رساندن» است که در زبان فارسی این کلمه در برابر انواع تبلیغات اعم از سیاسی ، فرهنگی و تجاری قرار می گیرد. اما در زبان انگلیسی هر نوع تبلیغ دارای اصطلاح (term) جداگانه ای است و در این تحقیق مراد از تبلیغات نوع بازرگانی آن یعنی (advertising) می باشد. در لغت نامه ی وستر در مقابل کلمه (advertising) آمده است:

۱- بیان ویژگی ها یا قیمت (یک کالا ، خدمت یا غیره) به صورت عمومی از طریق روزنامه، آگهی دستی و غیره به منظور وادار ساختن افراد به خرید.

۲- شناساندن ، یادآوری یا جلب توجه عمومی به وسیله ی اعلامیه ی چاپی نسبت به چیزی برای فروش اجناس و یا تقاضای کمک. تبلیغات کوششی کم و بیش نظام مند برای تحت تاثیر قراردادن عقاید ، نگرش و رفتار دیگران است. ۵.

۱. منوچهر آریان پور کاشانی، منبع پیشین، ج ۴، ص ۳۳۶.

۲. پیشین، ص ۴۸.

۳. علی رضا فیض و علی مهدب، ترجمه کتاب لمعه، چاپ دوّم، تهران، دانشگاه تهران، آبان ۱۳۶۶، جلد اول، ص ۱۸۹.

۴. محمّد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ شانزدهم، تهران، کتاب خانه ی گنج دانش، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸.

۵. میرافشاء، ۱۳۷۵، ص ۴۹.

۱-۱-۲ تعریف اصطلاحی: در اصطلاح حقوقی تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود. ۱. به عبارت دیگر تدلیس یعنی پوشاندن عیبی در مال یا نمایاندن یک صفت یا امتیاز کمالی غیر واقعی در مال. دست یازیدن به اعمالی که موجب فریب طرف معامله و در نتیجه اضرار مالی او شود را «تدلیس» می گویند. ۲. همان طور که گفته شد، تدلیس به معنای فریب دادن و پنهان کردن واقع است و معنای اصطلاحی آن نیز از معنای لغوی اش دور نیفتاده است. (پس هرگاه فروشنده ی مالی برای فریفتن خریدار و صفتی موهوم را به کالای خود نسبت دهد یا عیبی را که در آن است بپوشاند، گویند در معامله تدلیس کرده است). ۳. (بدین ترتیب در هر تدلیس نوعی تقلب و ریا وجود دارد و نیرنگ باز بی اعتنا به شرافت شغلی و درستکاری متعارف، از اعتماد طرف معامله برای گول زدن او استفاده می کند؛ به همین جهت تدلیس در قرارداد با کلاهبرداری قرابت دارد). ۴.

در فقه اسلامی، تدلیس معمولاً ضمن بحث از مصادیق پراکنده آن در ضمن عقود معین مثل تدلیس ماشطه در نکاح و تصریه در بیع حیوان مطرح شده است و اکثر فقها به استقلال به بحث از تدلیس نمی پردازند و در مباحث خیارات نیز خیاری تدلیس را به عنوان خیاری مستقلی مطرح نمی سازند بلکه آن را از فروع خیاری عیب یا خیاری غبن می دانند؛ با این وجود، بعضی از فقها مانند شهید اول در لمعه و شهید ثانی در الروضه البهیة خیاری تدلیس را به استقلال مطرح ساخته اند، اما ایشان هم به بررسی همان مصادیقی از تدلیس پرداخته اند که فقهای دیگر در سایر مباحث آن را عنوان کرده اند مانند: شرط صفت کمالی در زن مثل سرخی صورت و بلندی مو (که سایر فقها در تدلیس ماشطه به آن پرداخته اند) یا تصریه در حیوان.

۱. ماده ۴۳۸ قانون مدنی.

۲. محمد جعفر جعفری لنگرودی، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، بنیاد راستاد، چاپ اول، ۱۳۵۷، ص ۷۲.
۳. سید محمد جواد حسینی عاملی، منبع پیشین، ج ۴، ص ۶۴۴.
۴. ناصر کاتوزیان، اعمال حقوقی، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، زمستان ۱۳۷۱، صص ۴۲۷-۴۲۸؛ و همان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، انتشارات به نشر، چاپ اول، آذر ۱۳۶۹، ص ۳۲۵.

در نوشته های فقها، تدلیس به دوشکل ممکن است صورت بگیرد:

الف: اظهار چیزی که صفت کمالی را در عین مورد معامله (با شخص طرف قرارداد) به ذهن خطور می دهد.

ب: اخفای صفت نقصی که در مورد معامله وجود دارد. ۱.

صرف سکوت از نقص مورد معامله اخفا محسوب نمی شود؛ بلکه باید اخفا کننده با وجود علم به نقص مورد عقد ،

نسبت به آن سکوت کند تا تدلیس صورت گیرد. ۲.

شهید ثانی در الروضه البهیة در تعریف تدلیس آورده : «تدلیس کننده (مدلس) واقعیت را پنهان ساخته

وامری را که واقعیت ندارد در نظر طرف مقابل می آورد. از این روش شرط کردن صفتی که می داند وجود ندارد - چه

از جانب بایع باشد یا مشتری - تدلیس محسوب می شود». ۳.

«علامه ی حلی در قواعد، تدلیس را زمانی دارای اثر می داند که باعث اختلاف قیمت شود»^۴ و در مفتاح الکرامه

آمده که «گر چه معنای لغوی تدلیس ، پوشاندن عیب متاع از مشتری است اما آن چه بین فقها معروف

می باشد خلاف این است؛ زیرا ایشان، تدلیس را بر کتمان وصف و اظهار صفت کمال - هر چند عیب نباشد - اطلاق

می کنند، همچنین تدلیس را منحصر به متاع نمی کنند مثل بحث در مورد تدلیس ماشطه^۵ و ضابطه ای که برای

وصف ذکر می کنند، عقلایی بودن آن است؛ یعنی از نظر عقلا این شرط متعارف و مقصود باشد، هر چند که خلاف

آن وصف از جهت قیمت، ارزش بیشتری داشته باشد». ۶.

۱. شهید ثانی، مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲، موسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳. ق. ص ۵۳۰.

۲. جواهر الکلام، ج ۳۰، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۶۶، ص ۳۶۳.

۳. شهید ثانی، ج ۲ (دوره ۳ جلدی)، قم، چاپ اسماعیلیان، ۱۳۷۴، باب ناسع (خيار تدلیس)، ص ۸۶.

۴. سید محمد جواد حسینی عاملی، منبع پیشین، ج ۴، ص ۶۴۴.

۵. همان ص ۶۴۴.

۶. همان ص ۶۴۵.

در مصباح الفقاهه آمده است که «تدلیس از لحاظ لغوی عبارت است از مشتبه ساختن حقیقت امر بر دیگری یا مخفی ساختن عیب کالا از مشتری و پنهان ساختن آن با اظهار نمودن کمالاتی که در کالا نمی باشد و از لحاظ فقهی نیز همین معناراد و نتیجه گرفته که صرف ایجاد کردن رغبت و انگیزه در مشتری تدلیس محسوب نمی شود و گرنه باید می گفتیم که هر نوع تزئین کالا حرام است؛ زیرا هر تزئینی باعث تمایل و رغبت مشتری خواهد شد و این سخنی است که هیچ فقیهی به آن ملتزم نمی شود»^۱.

پس تدلیس در مورد معامله عبارت است از این که مورد معامله برای طرف قرارداد برخلاف حقیقت وصف شود.^۲ در حقوق ایران برخلاف فقه اسلامی، تعریفی کلی از تدلیس ارائه شده است. بنابه ماده ۱۴۳۸ ق.م «تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود». باین که در این تعریف روشن نیست که منظور از عملیات و ضابطه‌ی تحقق فریب چه می باشد؛ اما اجمالاً می توان دریافت که: ۱- عملیاتی باید انجام شود (عنصر مادی تدلیس) ۲- این عملیات موجب فریب طرف معامله گردد (عنصر روانی تدلیس). حقوق دانان نیز تعاریف مختلفی از تدلیس ارائه کرده اند:

بعضی گفته اند «تدلیس نوعی تقصیر عمد محسوب و عبارت است از به اشتباه انداختن دیگری به منظور مصمم کردن او به صدور اعلام اراده موجود عمل حقوقی و قبول الزام (یا الزاماتی) یا برعکس، به منظور این که شخص از قبول الزام یا الزاماتی و انعقاد معامله ای صرف نظر کند»^۳.

و بعضی دیگر این چنین گفته اند «اظهار دروغین واقعیت به وسیله لفظ یا فعل یا جلوگیری از افشای عیب موجود در موضوع قرارداد که به موجب آن طرف دیگر به انعقاد قرارداد ترغیب شود»^۴.

۱. سید ابوالقاسم موسوی خویی، مصباح الفقاهه فی المعاملات، جزء اول، قم، انتشارات وجدانی، ۱۳۷۴ ه.ق، صص ۲۰۵-۲۰۶.

۲. محمد حسین کاشف الغطاء، تحریر المجله، تهران، مکتبه النجاشی، ۱۳۵۹ ه.ق، ماده ۱۶۴.

۳. عبدالمجید امیری قائم مقامی، حقوق تعهدات، چاپ اول، تهران، نشر میزان، پاییز ۱۳۷۸، صص ۳۱۴.

۴. مهدعلی بهروم، سوء عرضه در حقوق انگلیس و تدلیس در حقوق اسلام، ترجمه جلیل قنوتی و ابراهیم عبدی پور، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۲۹.

امابه نظری رسد که بعضی از اساتید حقوق تدلیس را به صورت کامل تری بیان کرده اند: «نیرنگی است نامتعارف که از سوی یکی از دو طرف معامله یا با آگاهی و دستگیری او به منظور گمراه ساختن طرف دیگر به کار می رود و او را به معامله ای برمی انگیزد که در صورت آگاه بودن از واقع به آن رضایت نمی داد». ۱. یابه طور جامع و مختصر می توان گفت: تدلیس، فریب دادن طرف قرارداد در انگیزه اصلی یا یکی از جهات تراضی است. ۲.

در اقتصاد، تجارت یا بازرگانی یکی از مشاغل خدماتی است که عهده دار توزیع کالاهای تولید شده است و بازرگانان کالاهای مورد نیاز مردم را از تولید کنندگان خریداری می کنند و در دسترس متقاضیان قرار می دهند. در پایان این قسمت ذکر دو نکته ضروری است:

اول این که لفظ «تجارت» در علم حقوق مفهوم وسیع تری از همین لفظ در علم اقتصاد دارد؛ یعنی هم شامل اعمالی می شود که از نظر علم اقتصاد جنبه تجارتی دارند (مانند خرید و فروش کالای ساخته شده)، هم شامل اعمالی است که جنبه تولیدی دارند (صنعت) و هم شامل اعمالی که خدماتی هستند. ۴.

دوم اینکه تجارت در دین اسلام بر پایه ی معنویت و فضیلت و در کتب فقهی کرارا به تاجر تاکید شده است که از روی عدل و انصاف رفتار نماید؛ زیرا هدف از تجارت فراهم ساختن وسایل رفاه عمومی در جامعه ی بشری است و برای رسیدن به این منظور آشنایی به دانش فقهی ضروری خواهد بود. پس هر کسی خارج از این مسیر و با توسل به کارهای متقلبانه تجارت کند مرتکب تدلیس تجاری شده است.

۱. ناصر کاووزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، ص ۳۵۴.

۲. پیشین، ص ۳۵۴.

۳. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت (۱)، چاپ دوازدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۸، ص ۴.